

مبارزه سیاسی در برابر اول سازمان ما از زمان
توجهیانی، در سال های پایانی دهه ۳۰ آغاز
گردید. در سال ۱۳۴۲ با عضویت در گروه
جزئی، مبارزه فعال خود را به طور سازمان
یافته دنبال کرد. با ورود به دانشکده فنی
دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، نقش فعالی
را در جنبش دانشجویی بر عهده گرفت. در آن،
سالها به عنوان سازمانگر قدرتمند مبارزات
دانشجویان شناخته شد. در سال ۱۳۴۶،
همراه با رفیق جزئی وعده دیگری از اعضای
گروه دستگیر و روانه زندان شد. در سال
۱۳۴۹ با فاصله پس از آزادی از زندان، بار
دیگر به گروه پیوست. طی دوره کوتاه آزادی،
سهم مهمی را در مبارزه سازمان ما، در آن مرحله
خون بار حیات خویش، بر عهده گرفت. دستگیری
مجدد او در سال ۱۳۵۰، اتفاقی افتاد. در این
سال یک بار دیگر او را در زندان های ساواک
به بند کشیدند و تحت وحشیانه ترین شکنجه
ها قرار دادند. این بار این فدائی پر
شور، شش سال دیگر در زندان ماند. او نقش
از زمان ما، در تدبیر زندانیان شامه داشت.

مشعبین از سازمان و گروه‌های چپ‌مشابه رایج
همکاری و اتحاد با نیروهای انقلابی، دموکراتیک
و ضد امپریالیستی کشور علیه امپریالیسم، علیه
ارتجاع حاکم و در راه صلح، استقلال، آزادی و
عدالت اجتماعی و بسوی همبستگی با جنبش
کمونیست، و کارگری جهان، و مبارزه علیه انشعاب

راهپیمائی وسیع مردم پاریس در دفاع از صلح جهانی و خلع سلاح



برنامه های هنری و قرائت يك قطعنامه به پایان رسید. در قسمتهای از این قطعنامه آمده است: "ما می خواهیم ابعاد فاجعه جنگ اتمی و نابودی کره زمین و بشریت به همه مردم جهان تفهیم شود، ما می خواهیم مبارزه در راه صلح و امید به پیروزی در این راه را زنده و قوی نگه داریم. ۰۰۰ خواست ما برگزاری مذاکرات صلح - آمیز جهت جلوگیری از ساخت و کاهش سلاح ها - هسته ای است. ۰۰۰ ما همبستگی خود را با مردم صلح دوستار را اعلام می کنیم و دست آنها را می فشاریم تا با همکاری یکدیگر بتوانیم سد محکمی در مقابل جنگ طلبان ایجاد کنیم."

در ایران را آزاد کنید! "، "به جنگ پایان دهید! " و "قتل عام مردم کردستان را متوقف کنید" را سرمی داد، با همدلی، همراهی و تشویق شورانگیز دیگر تظاهرکنندگان مواجه می شد.

در این تظاهرات تراکتی در دفاع از صلح جهانی و افشای سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیسم، اعلامیه مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق در فرانسه، به مناسبت چهارمین سالگرد جنگ خانمانسوز ایران و عراق و اعلامیه ای که در محکومیت همکاریهای سه رژیم ارتجاعی ایران، ترکیه و عراق در سرکوب خلع کرد توسط تشکلهای دموکراتیک این کشورها تهیه شده بود، به تعداد چند هزار نسخه، توزیع گردید.

در این راه پیمایی، نمایندگانی از جنبش صلح کشورهای مختلف و نیز نمایندگانی از سازمان ملل متحد و یونسکو، علاوه بر دادن پیام جمعیت را همراهی می کردند. تظاهرات در زیر باران شدید، با اجرای برنامه نور و صدا و دیگر

امسال نیز در هفته پیشنهادی سازمان ملل متحد جهت "خلع سلاح"، تظاهرات وسیعی در پاسخ به فراخوان صد نفر از شخصیت های صلحدوست فرانسه، در روز ۲۸ اکتبر در خیابانهای پاریس انجام پذیرفت. در این تظاهرات که علی رغم سکوت رسانه های گروهی فرانسه، در زیر یک باران شدید، با حضور ۳۵۰ هزار نفر از مردم صلحدوست و ترقیخواه فرانسه از جمله اعضای اتحادیه کارگری ش-ت حزب کمونیست فرانسه و دیگر نیروهای مترقی برگزار شد، رفقای سازمان نیز به اختناق رفقای تودمائی، فعالان شرکت جستند.

رفقا با حمل پرده ها، پلاکارت ها و شعارهای متعدد، هم در زمینه مسائل بین المللی و هم در رابطه با مسائل منطقه ای و ملی توانستند پیام صلح طلبانه مردم میهنان را که اکنون مستقیماً با آفت یک جنگ خانمانسوز درگیر هستند، به خوبی انعکاس دهند.

هنگامی که صف متشکل از رفقای حزب و سازمان، شعارهای "علیه جنگ و اختناق، برای صلح و دموکراسی"، "مبارزان راه صلح

خیانت به آرمانهای انقلاب شکوهمند خلق ایران که طبقه کارگر نقشی تعیین کننده در پیروزی آن داشت، اکنون به قلب جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم قهرمان ایران شلیک می کنند. پاسداران منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بدستور حاکمان تبهکاران ۱۰۰ شما و دیگر برادران را که در راه حقوق حقه سیاسی و صنفی خود پیگامی کنید، مورد تهاجم قرار میدهند.

ما با آندوه و خشم اخبار مربوط به جنایت های رهبران کارگرسنیز، جنگ طلب و آزادی کش رژیم ایران را می شنیم. و به پایداری لا ورنه کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران درود می فرستیم.

اعتراض شما که با دستگیری، شکنجه و کشتار مواجه شد یکی از نمونه های درخشان هشیاری و وفاداری کارگران ایران بآماج های انقلاب ایران است.

ما کارگران ذوب آهن پاکستان همراه با دیگر برادران انجانیات بی شرمانه حکومتگران خائن ایران را قویا محکوم می کنیم. ما ضمن ابراز همبستگی عمیق با شما و سایر کارگران وطن تان که با صد مورد اعتصاب در عرض شش ماه از امسال، لرزه بر اندام سرمایه داران و مرتجعین انداخته اید - اطمینان داریم کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام راه نیل به صلح، استقلال ملی و دموکراسی را خواهند گشود. پیروزی از آن شماست.

امضاء: عارف محمود

دبیر تشکیلات

میتینگ همبستگی با خلقهای ایران و عراق در فرانسه

نسبت به این جنگ خانمانسوز از فعالیت های موثر کمیته های همبستگی با مردم ایران و عراق در سطح فرانسه، بیژره در رابطه با برگزاری این میتینگ، تشکر کردند.

رفقای توده ای اعلامیه مشترک حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق را که در آن نتایج جنگ تشریح شده و بر ضرورت قطع فوری آن تاکید به عمل آمده است را قرائت نمودند.

احزاب و سازمانهای دیگری که برای این گردهمایی، پیام همبستگی ارسال داشتند،

حزب کمونیست عراق (فرانسه)، شورای ملی جنبش صلح در فرانسه، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، کمیته بین المللی همبستگی با مردم عراق، حزب دموکرات کردستان عراق، جنبش جوانان کمونیست فرانسه، اتحادیه کارگران ترکیه در فرانسه، فعالین حزب مترقی و سوسیالیسم مراکش در فرانسه، سازمان حزب کمونیست سوریه در فرانسه، حزب کمونیست مصر، کمونیستهای یونان در فرانسه، سازمان حزب کمونیست تونس در فرانسه، کمیته پناهندگان سیاسی آمریکای لاتین، کمیته پناهندگان سیاسی دموکرات ایران، کمونیستهای انجمن آموزش و پرورش کارگران مهاجر، انجمن پناهندگان سیاسی ترکیه و کردستان ترکیه.

در رابطه با چهارمین سالگرد جنگ خانمانسوز ایران و عراق، هفته مبارزه علیه جنگ، به دعوت مشترک "کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران" و "کمیته فرانسوی علیه اختناق در عراق"، در شب شنبه ۵ اکتبر، گردهمایی پرشوری در شهر پاریس برگزار شد.

در آغاز برنامه آقای کلود پرواز طسرف کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران، در سخنرانی خود حمایت افکار عمومی فرانسه از مبارزه مردم ایران و عراق در راه استقرار صلح و دموکراسی را خاطر نشان ساخت و به تشریح نتایج جنایت بار جنگ و اختناق در ایران پرداخت. پیام پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه، توسط رفیق پاتریک ریو، عضو کمیته مرکزی قرائت گردید. در این پیام، پشتیبانی حزب کمونیست فرانسه از "نیروهای سیاسی و کشور که شجاعانه علیه جنگ مبارزه می کنند" مورد تاکید قرار گرفت.

رفقای فدایی در فرانسه نیز در پیام خود، سیاستهای جنگ طلبانه، ضد مردمی و سرکوبگرانه حاکمیت جمهوری اسلامی را افشا نمود. همه اهمیت برقراری صلح به عنوان مبرمترین خواست مردم ایران تاکید ورزیدند. رفقا ضمن اشاره به اهمیت واکش افکار عمومی جهانی

مروزی بر "بحران برنج"

بقیه از صفحه اول

آمل و دیگر شهرهای مازندران که مرکز عمده تولید و صادرات برنج است، به کیلویی ۵۰۰ ریال برسد. افزایش ناگهانی و سریع قیمت برنج، تا حد قابل توجهی شامل دیگر اجناس و ارزاق عمومی نیز شده و به هنگام اعتراض از این بازار آشفته، جعلگی نرخ برنج را متذکر می شود.

در ایران، مطابق با آمار دولتی "سالانه نزدیک به دو میلیون تن برنج به مصرف می رسد که از این مقدار نزدیک به یک میلیون تن آن با پرداخت ارز حاصل از فروش نفت، از خارج وارد می شود، بقیه در داخل کشور، در استانهای گیلان، مازندران با محصولی قریب به ۹۰۰ هزار تن - فارس و ۵۰۰ تولید می شود" (کیهان - ۱۷ شهریور)

خرید و توزیع این محصول تا پایان نیمه اول سال ۶۰ به "طریق سنتی" و از جمله توسط تجار بزرگ بازار گیلان و تهران صورت می گرفت. در شهریور ماه سال ۶۰ ستاد بسیج اقتصادی برنج را جزو اقلام ارزاق عمومی اعلام نمود و اساساً با همکاری سازمان تعاون روستایی و سازمان گسترش خدمات بازرگانی اقدام به خرید و توزیع آن کرد.

در طول سه سال گذشته یعنی از شهریور سال ۶۰ تا شهریور سال ۶۳، خرید و توزیع برنج، بین ستاد بسیج اقتصادی، سازمان تعاون روستایی از یک طرف و وزارت بازرگانی، اتحادیه صنف بنگاران بازار تهران و گیلان از طرف دیگر دست به دست گشت و گاهی توأماً انجام شد.

کلان سرمایه داران، تجار بزرگ برنج و واسطه ها، در زمینه برنج نیز چون دیگر عرصه های اقتصاد کشور خواهان آزادی کامل و بدون قید شرط بودند. آنها حتی برای لحظه ای هم نمی توانستند از میلیاردها تومان سودی که خرید و فروش برنج در برداشت چشم پيوشند، تا اینکه در تاریخ ۱۶ شهریور سال جاری، هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه طی سخنرانی پیرامون لزوم عدم دخالت دولت در کنترل و خرید و فروش برنج و برشمردن اهمیت آزادی تجار در امر توزیع برنج، خطاب به واسطه ها و تجار برنج گفت: "واسطه ها و تجار بروند برنج بخرند و بیاورند بین مردم تقسیم کنند" (جمهوری اسلامی ۱۷ شهریور) دلان، حق العمل کاران، تجار بزرگ و کوچک که مترصد چنین مجوزی بودند، بلافاصله به جنب و جوش افتادند، مقدمات سفر به شهرهای شمالی مهیا شد. کامیونها و وانت - بارهای متعددی تدارک دیده شد تا پس از انجام معامله اجناس خریداری شده را به انبارهای بنگاران انتقال دهند.

در این میان بازاریان گیلان و اتحادیه صنف بنگاران برای آنکه بتوانند خرید و توزیع

برنج را در سراسر کشور و به ویژه در استانهای شمالی (گیلان و مازندران) تحت کنترل داشته باشند. طی نشستی در منزل احسان بخش نماینده آیت الله خمینی در گیلان قطعنامه - ای مشتمل بر ۶ ماده که کلاً ناظر بر امر خرید و توزیع برنج زیر نظر نمایندگان منتخب این جلسه بود، به تصویب رساندند. بند چهارم این قطعنامه خواهان آن شد که:

"از بازاریان سراسر گیلان ۱۵ نفر به عنوان هیات امنا بر خریداران برنج تعیین شود که آن هیات با تایید نماینده امام در گیلان باشد و این هیات خریداران برنج را تحت نظارت داشته و متخلفین را معرفی نماید" (کیهان ۲۱ شهریور)

موسوی، نخست وزیر نیز برای اینکه نشان دهد دولت به اهداف اعلام شده، مبنی بر "خدمتگذاری" به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، هم کاملاً وفادار است، طی گفتگویی ضمن حمایت از خرید و فروش آزاد برنج، افزود که دولت مطابق میل اصناف و تجار عمل خواهد کرد. او در این باره گفت:

"مرده نیز می توانند برنج را از منطقه خارج کنند، منتهی برای کمک به تحقق این برنامه به تقاضای برادران صنفی، عدولت کامیونها و وانتها را کنترل خواهد کرد. البته من اینجا عنوان می کنم که هر موقع اصناف محترم بخواهند این کنترل نیز برداشته خواهد شد. آنچه مهم است اینکسه عامل اصلی، اصناف بخش خصوصی هستند و دولت به تقاضای خود اصناف کمک می کند."

(اطلاعات ۲۱ شهریور)

حتی آن دسته از تجار و اصنافی که در رشته های دیگر تجارت مشغول کسب



"سودهای مشروع" بودند، متوجه موقعیت مناسب بازار برنج شدند. بنا به شرایط فصلی و اهمیت برنج در سود دهی کوتاه مدت، سرمایه داران تلاش ورزیدند سر بزرگراه رسیده و در غارت این "خوان نعمت" که حاصل دسترنج هزاران شالیکار است، بی نصیب نمانند، بنا بر این بخشی از سرمایه گذاری به سوی بازار خرید و توزیع برنج جاری شد. روزنامه کیهان (۵ - آبان) در این باره می نویسد:

"بنا بر گزارش منابع موثق با آزاد شدن خروج برنج از استانهای شمالی کشور بسیاری از واسطه ها و دلان بزرگ سرمایه خدود را در زمینه خرید برنج و عرضه آن در موقعیت مناسب بکار انداختند."

با وجود چنین آزادیها هنوز "سرعت شکن" هایی در راه غارت و چپاول شالیکاران و زحمتکشان وجود داشت. روح "آزاد" سرمایه با بند سم قطعنامه ائمه جمعه و بخششی از اطلاعاتیه ۲۱ شهریور وزارت بازرگانی که هنوز بر کنترل کافی السابق محورهای خروجی دواستان مازندران و نیلان تاکید می کرد، میبایست داشت. لازم بود که راه "رقابت آزاد" کاملاً تسلیح شود و هیچ گونه اما و اگری مغل آزاد سرمایه در غارتگری و احتکار نباشد. فرصت کم بود و زمان شروع خرید "تار محترم" که طبق تقویم ائمه جمعه و هیات ناظر بر خرید و توزیع برنج، هفتم مهر ماه اعلام شده بود، از راه می رسید.

درست در همان روز آقای مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی طی یک گفتو به این مشکل پایان داد. وی در گفتگو با خبرنگار کیهان اعلام کرد:

"بر اساس تصمیم شورای عالی قضایی - محاکم قضایی از رسیدگی به تخلفات مربوط به خروج برنج از استانهای شمالی کشور خودداری خواهند کرد."

و، در توضیح این مطلب افزود: "از آنجایی که امسال مسئولین اجرایی کشور اجرای طرح کنترل خروج برنج از استانهای شمالی را ضروری تشخیص نداده اند و تهیه آن را برای افراد آزاد اعلام کرده اند، لذا شورای عالی قضایی، برای اقدام فامهرین انتظامی و قضایی در این رابطه ضرورتی تشخیص نمی دهد. خریدهای کلان آغاز شد و کاروانهای متعدد کامیونهای حامل برنج از دروازه ایستگاههای گیلان و مازندران خارج شدند. بنا به نوشته کیهان، آنچه در این میان معلوم نبود همانا مقصد این کامیونها بود."

این امر به فوریت تاثیر خود را بر روی قیمت برنج به ویژه در دواستان برنج خیز بر جا نهاد. روزنامه کیهان ۵ آبان در این مورد نوشت: "قیمت برنج در استان گیلان تا حدود ۴۰ درصد بالا رفته است و این سیر صعودی قیمت انواع برنج با توجه به خریدهای عده دلان و سایر مشتریان ادامه دارد." بقیه در صفحه ۸

تصویرهای خون آلود (۲) چند خاطره از زندان

سوراخ روی در

نزد يك يك ماه است که او را از زندان دیگری به بند ما آوردند. لحظاتی که وارد شد صورتی مات و مبهوت داشت و چشمهایش آرام و کنجکا و زوایای افاق را می نگریست. چشمهای سرخ اما صبور دارد و خنکای که می خندد انگار کودکی است که خوابی خوش دیده است. تا بحال نتوانستام با او صحبتی داشته باشم. به نظر هجده ساله می آید. تمام اوقات روز را مشغول کار است کارهایی مثل تهیه نان از جراب پسا دوختن ساک دستی با شلوارهای کهنه زندان، درست کردن تسبیح از دسته های خرما، چوب سیگار از تکای پوب، گلوند از ساییدن سنگ قرنیز سیمانی یا بلند زوی روی تکه ملاقه های کهنه. چند روزیست که اکثر اوقات خود را جلوی در گریه می گذارند. نزدیکش می شوم و می پرسم: چند روزه که بیکاری؟! می خندد. "دیگه ساک درست نمی کنی؟" باز می خندد و می گوید: "اینهمه ساکوم. دوام چکار؟ مکه کجا می خوام برم؟" می پرسم: "دادگاه رفتی؟" میگوید: "آره، ابد گرفتم." و باز می خندد و صورتش را به در می چسباند. می پرسم: "اونجا چیه؟" می گوید: "پسوراج." می پرسم: "می تونی ببینی؟" بعد يك چشم را روی سوراخ می گذارم. در گریه و در دست روی روی مردان تیر است. وقتی چشم از در برمی دارم و توی صورتش نگاه می کنم می خندد و می گوید: "من باید اینجا تیربارون می شدم." تعجب نمی کنم. می پرسم "خوب، چرا نشدی؟" لبخند تلخی می زند و می گوید: "آخه برادریم به جای من اعدام شد." و باز چشمش را روی سوراخ می گذارد.

چند ماه بعد که برادر رویدادی در بند اعتماد نسبت به من برانگیخته شده بود، از او خواستم تا ماجرای اعدام برادرش را برایم بازگو کند. برای اینکه پیچش با جلب توجه نکند لیوانی محتوی آب که در آن چند دسته خرما یا خیس خورده قرار داشت به دستم داد. با هم به گوشه اطاق که قرنیزی سیمانی و زمخت داشت رفتیم و به هنگام ساییدن و صاف کردن هسته ها برایم اینطور توضیح داد:

برادرم کارگر بود و با زن و تنها فرزندش در حومه این شهر زندگی می کرد. توجه چندانی به اوضاع جامعه نداشت. سرش توکار خودش بود. اکثر روزها دوازده ساعت کار می کرد و جز به خانواده اش به چیزی بطور جدی فکر نمی کرد. سزاکترین تفریحش بازی با بچه اش بود.

ه من موقعی که در شهر خرمون تحت تعقیب بودم و از این شهر به اون شهر و از خونه این آشنا به خونه اون آشنا می رفتم. چند روزی هم

پیش برادریم بودم که يك روز مورد شناسایی يك بسیجی قرار گرفتم و چون مسلح نبود توانستم فرار کنم. به همین علت برادریم را بیست و چهار ساعت بازداشت کردند. هفته بعد در کارخانه ای که کار می کرد اعتصاب گسترده ای به خاطر تعویض مدیریت انجام گرفت و ضمن درگیری با انجمن اسلامی و کمیته محل یکی از اعضای انجمن زخمی شد. به دنبالش عده ای از کارگران را اخراج و عده دیگری از جمله برادریم را دستگیر کردند. عده آخر که بعد از فهمیدم در بازجویی های مکرر، از او محل اقامت مرا می خواستند. او نمی دانست برابری نمی دانست. درست در همان روزها در شهری دیگر در حالیکه بطور کاملاً اتفاقی در مسیر يك درگیری قرار گرفته بودم دستگیر شدم. فردای همان روز مرا به برای بازجویی بردند. پیش از اینکه اولین سؤال بازجو شروع شود تلفن زنگ زد و کاری برای بازجو پیش آمد. با دست به پاسدار اشاره کرد و مرا بار دیگر به بند منتقل کردند. این تلفن لحظاتی باعث شد که بازجویی من چهل و هشت ساعت عقب بیفتد. فردای همان روز در پی درگیری هایی که در سطح شهر پیش آمد مسئولین دادستانی برای انتقام گیری و ایجاد ارتاب تصمیم می گیرند، بلافاصله عده ای را اعدام کنند. یکی از تیرباران شده ها برادریم بود که در يك دادگاه يك دقیقای فقط از او این سؤال را کرده بودند "برادرت کجاست؟"

مرا بلافاصله بعد از بازجویی به اینجا منتقل کردند. وقتی به اینجا رسیدم از شهادت معسوهانه برادریم فقط بیست و چهار ساعت گذشته بود. بعد از فهمیدم که حاکم شرع به پدرم گفته: "چون برادرش را معدوم کردیم فعلاً این یکی را معدوم نمی کنیم. حکم اعدامش تعایی است و اجرای حکم بستی به رفتار خودش دارد." آهی می کشد، لبخندی می زند و به سوز چشمش را روی سوراخ در می گذارد.

نوزده روز حکومت نظامی (۱)

هنگامی که روی تخت ایستاد و عریضه

کشید: "برادر را توجه کنن!" احساس کردم آنچه را که رضا در نوشم گفته بود دارد به وقوع می پیوندد. چند ساعت پیش رضا

خیلی آهسته به من گفت: "اون یارورومی بینی؟ توی ساکش به دستبند داره." پرسیدم: چطور ممکنه زندانی دستبند داشته باشد؟ جزو

همون هشت تاییه که دیروز آوردنشون؟ جواب داد: "آره، ولی نمون نمی کنه زندانی باشن، لااقل این یکی نیست." وبعد چسکی بعنوان

هشدار زد. باید بیش از صد کیلو وزن داشته باشد. زیر تنه سنبلیله او تخت ناله می کشند.

مویی کوتاه و ریشی پر پشت و سیاه دارد. هفت نفر دیگری که همراه او به بند آمده بودند به تدریج ابارافش جمع می شوند و او در حالیکه تحکم و ترس، توانان در چهره اش پیدا است، مانند کسی که برای اولین بار در حضور جمع سخن میگوید، اینطور ادامه می دهد: "از حالا به بعد کابینه بند عوض میشه. اسم من بهزاد نظامیه. به روز مثل شما کافر و منافق بودم. امروز به توایم. از حالا رئیس بند من، همه مسئولیت ها رو، از غذا گرفته تا حمام، از نظافت گرفته تا نگهبانی شب، همه رو خودم انتخاب می کنم. حالا همه برین روی تخت ها شون، می خوام لیست بلیترم." بیشتر بچه ها خشکشان زده. به نظر میرسد که عده ای می خواهند به نحوی نسبت به ایمن قضیه اعتراض کنند، اما دردل همه چیسز دستگیرشان شده است.

شب، بعد از جمع کردن سفره ها یکی از اعضای "کابینه نظامی" قیام می کند: "برادر را توجه کنن!" سکوت مجدداً بر بند حاکم میشود. تا ده می شمرم همه باید سرها شون زیر پتو باشه. يك، دو، سه، شماره هشت که میرسه سرم زیر پتو ست و فکر می کنم که همه بچه ها سرشان باید زیر پتو

باشد. سکوت برقرار شده است. انگار هیچکس توی بند نیست. صدای پاییزی نزدیک می شود، آرام پتو را از روی سرم بر می دارد و می گوید: "پاشو بیا! اسمت چیه؟" نام را میخوم. اتهامت چیه؟ پاسخش

را نمی دهم. مراکشان گشان به دستشویی می برد. بهزاد نظامی آنجا منتظر است. لباسم را می کنند، دستهایم را دستبند می زنند و به جویی که از قبل زیر دوش قرار داده اند، آبیزان می کنند و در حالیکه شرشر منگ کننده آب بر صورت می ریزد، با کابل ده رشته سه گانه ها اسمش را تانک گذاشتند به جانم می افتند. نمی دانم چقدر طول می کشد. از احساس خفگی ناشی از ریختن آب به غوش می آیم و ناله می کنم. دوباره، ضربات کابل آغاز میشود. دقایقی بعد دوباره از هوش میروم و زمانی که به هوش می آیم، بینم بر کف خیس دستشویی افتاده ام. احساس دردی عمیق روی بینی و سوزشی شدید بر پشتم دارم. دستی به بینی ام می کشم. ورم کرده است. صورت خون آلود است. بلافاصله در می یابم که بینی ام شکسته، شاید با مشت زده اند و شاید هم هنگامی که پرتیم کردند روی زمین، شکسته شده باشد. در حالتی میان خواب و بیداری، صدای ناله یکی، ناله یکی دیگر و دینام دیری را می شنوم. انگار پس از مدت چند نفر دیگر را نیز به زیر خنجه کشیده اند. دلم می خواهد ساکت باشم که دینام سرانجام نیایند. اما نمی توانم. تمام بدنم گریخت است و پشتم مثل چوب خشک.

بقیه در صفحه ۷

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و ننگین است

قسمت آخر

در شماره های گذشته به بررسی نتایج فاجعه بار "انقلاب فرهنگی" و تعطیلی سه ساله مراکز آموزش عالی و اقدامات انجام یافته پس از بازگشایی دانشگاه ها پرداختیم. ببینیم اکنون در دانشگاه ها و مدارس عالی چه میگذرد. در تشریح وضعیت مراکز آموزش عالی در شرایط کنونی قبل از هر چیز باید از سطح بسیار پائین علمی و آموزشی آنها یاد کرد. انصاراف از تدریس و اخراج بسیاری از استادان ارزشمند و با دانش - تنها دانشگاه تهران در طی ۵ سال اخیر ۳۰٪ کاهش تعداد کادر علمی را نشان می دهد - برنامه ریزی های غلط آموزشی، تدریس متون عقب مانده و کهنه شده با شیوه های منسوخ، توقف درازمدت فعالیت آموزشی دانشگاه ها و مدارس عالی به بهانه "انقلاب فرهنگی" و جود ضد علمی حاکم بر این مراکز، از جمله عواملی هستند که افت سطح علمی و آموزشی دانشگاه ها را سبب شده اند.

سدهای سدید ایدئولوژیک - سیاسی بر سر راه جوانان داوطلب ورود به دانشگاه ها و بویژه سهمیه نهاد های رژیم در آمار پذیرفته شدگان کنکور - ۱٪ ظرفیت دانشگاه ها به داوطلبان معرفی شده از سوی نهاد های چپ و سپاه پاسداران، بسیج، جهاد و بنیاد شهید اختصاص یافته است - نیز باعث افت سطح آموزش در سالهای پائین تر دانشگاهی شده است. در برخی از مراکز آموزش عالی مانند دانشگاه صنعتی و دانشکده پزشکی تهران اعتراضاتی نیز توسط دانشجویان به پذیرش اینگونه دانشجویان به دلیل ناتوانی ذهنی آنان در فراگیری دروس صورت پذیرفته. تلاشهای مستمر رژیم در برقرار کردن خفکان مطلق در دانشگاه ها و تحمیل اخلاقیات منوط و هنجارهای ارتجاعی، مشخصه دیگر وضعیت کنونی مراکز آموزش عالی را به نمایش می گذارد.

سازش ناپذیری، پایداری و بویژه تعهد عمیق جنبش دانشجویی ایران به منافق توده های مردم در تمام دوران سلطنت خاندان منور پهلوی، دلایل قابل انکاری بود که برپا دهنندگان انقلاب را بر آن داشت تا هر چه در توان دارند در سرکوب دانشجویان مترقی و انقلابی بکار بندند. بویژه آنکه پس از انقلاب بهمن جنبش دانشجویی رشد و گسترش با زهم و صیبعی یافت. بر این اساس و همانگونه که ذکر شد جمهوری اسلامی، کوشید دانشجویان را که تمامی بار جنبش دانشجویی در سالهای سیاه و خفکان بار محمد رضا شاه را بر دوش داشتند، از صحنه سیاسی و محیط های آموزشی دور سازد.

هزاران نفر از آنان را برای شکنجه

و یا اعدام روانه سیاهچالها نمودند. هزاران نفر دیگر را از دانشگاه ها اخراج و یا ادامه تحصیل آنان را بحالت تعلیق در آوردند. با بکارگیری گسترده ترین تمهیدات ضد انقلابی تلاش نمودند از ورود دیپلمه های انقلابی و یا دگر اندیش به مامحت بعمل آورند اما این همه برای کسانی که خود بخوبی به عمق خیانت هولناک خه بش به اعتماد و اهداف انقلاب مردم آگاهند، نمیتوانست کافی باشد. آنان بسختی از دانشجویان، حتی دانشجویان از زیر ذره بین گذشته در هراسند. در این زمینه و بعنوان یکی از اقدامات جدید برنامه - ریزان سیاسی و دست اندر کاران آموزشی رژیم در زمینه گسترش جو خفکان بر دانشگاه ها می توان از تصویب و ابلاغ "آیین نامه انضباطی دانشجویان و مدارس عالی کشور" توسط "ستاد انقلاب فرهنگی" نام برد.

متن این آیین نامه خود به روشنی مبین نیت پلید تدوین کنندگان آن است. برای "تخلیفات سیاسی و اخلاقی" تنبیهاتسی چون "اخراج از دانشگاه محل تحصیل" و یا "محرومیت از تحصیل در کلیه دانشگاه ها" در نظر گرفته شده است. این "تخلیفات" عبارتند از: "تشکیل انجمن یا گروه دانشجویی برای فعالیت های فوق برنامه در دانشگاه بدون اجازه مراجع ذیربط و یا عضویت در اینگونه گروه ها"، "برگزاری اجتماعات در محیط دانشگاه و عضویت یا فعالیت به نفع گروه یا حزبی که فعالیت آن از سوی مراجع قانونی (۱) نظیر مجلس و قوه قضاییه ممنوع اعلام شده باشد".

"ارتکاب اعمال ضد نظام جمهوری اسلامی از قبیل شعار نویسی و پخش اعلامیه"، "عدم رعایت پوشش اسلامی"، "...."، بعنوان یکی از دستاوردهای آموزشی "ستاد انقلاب فرهنگی" باید از کلاسهای آموزش ایدئولوژی موسوم به دروس عقیدتسی نام برد. به تفاوت نزدیک به ۱۵٪ کل واحد های درسی دوره لیسانس اغلب رشته ها را دروس عقیدتی تشکیل می دهد. متون آنها عمدتاً بر اساس ارائه تعبیرهای جعلی و خود ساخته از مارکسیسم و سپس ردن کیشوتی آنهاست. کلاسهای آموزش ایدئولوژیک توسط آخوند های از مدرسین حوزه علمیه اداره شده و حضور و غیاب دانشجویان در این کلاس ها بشدت کنترل می گردد. هر گونه بحث با مدرس در کلاسهای ایدئولوژیک می تواند به محرومیت از تحصیل و یا محروم شدن از امتحان منجر گردد.

علاوه بر آزاد اندیشی و فعالیت سیاسی و انقلابی عدم رعایت هنجارهای ارتجاعی رژیم نیز می تواند عواقب محرومیت از تحصیل و سایر

تنبیهات اعلام شده را در پی داشته باشد. این امر بویژه در مورد دانشجویان دختر مصداق بیشتری دارد. رد و بدل کردن بیش از چند جمله با همکلاسیان پسر احتمال اخراج - البته پس از یکبار تذکر ۱ - آنها به اتهام فساد اخلاق را به وجود می آورد.

دختران دانشجوی بطور دائم برای رعایت حجاب اسلامی تحت فشار قرار دارند و بدینوسیله از آنها نگهداری "حرمت خون شهدا" را می طلبند گها این رهبران جمهوری اسلامی نیستند که با خیانت به آرمانها و اهداف انقلاب بهمن، خون آنها به شهادت را پایمال ساخته اند.

در اکثر سالنهای غذاخوری دانشگاه ها و حتی در برخی از کلاسها، محل نشستن پسران، و دختران دانشجوی با دیوار برزنتی از یکدیگر جدا شده است.

دختران از تحصیل در برخی رشته ها منع شده و در برخی دیگر نظیر فنی-مهندسی، وکشا و رزی به اشکال مختلف و عملاً برای تغییر رشته تحت فشار قرار دارند. از نظرایین تارک اندیشان مرتجع، برای ادامه تحصیل تنها رشته دایمی همچون پرستاری و مامایی می تواند مورد انتخاب دختران قرار گیرد.

دانشجویان از نظر امکانات رفاهی و زیستی نیز در شرایط بسیار نامناسبی بسر می برند. هزینه های سنگین زندگی و تحصیل، فشار زیادی بر آنها وارد می آورد. قطع و یا کاهش میزان کمک هزینه تحصیلی دانشجویان (پرداخت آن تنها با تأیید ارگانهای جاسوسی رژیم در دانشگاه صورت می گیرد) دریافت بهای جزوات و کتب دانشگاهی و وضعیت نامناسب تغذیه دانشجویان از موارد قابل ذکر در این زمینه است. دانشجویان، بویژه دانشجویان نی که از شهر های دیگر به شهر و دانشگاه محل تحصیل خود آمده اند، اکثراً تنها و ده غذای گرم در شبانروز را در غذاخوری های دانشگاه صرف می نمایند. پائین آمدن شدید کیفیت و کمیت غذای ارائه شده، به بهانه وجود شرایط جنگی، سلامت آنها را به مخاطره افکنده است. اما بدون شاک، از نظر امکانات زیستی مشکل مسکن مهمترین مشکل دانشجویان را تشکیل می دهد که جمهوری اسلامی با ادامه جنون آمیز جنگ خانمانسوز و بر زمینه بی اعتنایی عمومی به شرایط زیستی و نیازهای مردم، آنرا به نحوی سابقه ای تشدید کرده است. برای نشان دادن ابعاد و درجه وخامت این مشکل دانشجویان به ذکر دو نمونه از روزنامه مجاز کیهان ۲۱ خرداد ۶۳ بسنده می کنیم: "در سالنی که ما در آن زندگی می کنیم همچون سر- باز خانه ها ۷۰ نفر را در تخت های دو طبقه جای داده اند. رفت و آمد این افراد، سرو صداها ۰۰۰ حتی يك لحظه به انسان فرصت مطالعه نمی دهند. ۰۰۰ عملاً مطالعه در این سالن برای ما مقدور نیست، با این وجود - وضعیت ما به مراتب بهتر از کسانی است که تا

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۳۶۳ برابر ۹ نوامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۳

قطعنامه درباره خط‌مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان طراز نهن طبقه کارگر ایران، تحقق شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف عاجل خود قرار داده و در این راه پیکار میکند. سبطره ارتجاع بر کشور به مانع عمده در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است. شرط دستیابی باین آماجها و - جهت اصلی مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است. بقیه در صفحه ۲

در پلنوم مهر ماه ۶۳ کمیته مرکزی قطعنامه ای درباره خط‌مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تصویب گردید. "بخش عمده قطعنامه درباره خط‌مشی به مساله وحدت و اتحاد اختصاص یافته است، امری که برای جنبش انقلابی ما هم استراتژی هم تاکتیک" (پیام پلنوم به اعضا و هواداران) متن کامل قطعنامه چنین است.

به مناسبت گزینش مجدد رفیق فرخ نگهدار به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان



رفیق فرخ نگهدار در حین سخنرانی در میدان آزادی (اول ماه مه - سال ۶۰)

در پلنوم اخیر کمیته مرکزی، افتخار و مسئولیت مقام دبیر اول کمیته مرکزی سازمان، بار دیگر به رفیق ارجمند فرخ نگهدار سپرده شد. گزینش مجدد این انقلابی سرشناس و پیر سابقه میهن‌ما، برای رفیع‌ترین سمت سازمانی از سوی کمیته مرکزی، تأکید دیگری بر نقش تحسین برانگیز او در هدایت و ارتقاء مبارزه گرانقدر فدائیان بقیه در صفحه ۲

پیام "اتحادیه دمکراتیک کارگران ذوب آهن پاکستان" به کارگران کارخانه "کانادادرای"

آوازه خیا نشها و سیاهکاریهای جمهوری اسلامی عالمگیر شده است. اقدامات ضد انقلابی این رژیم در جهان انعکاس یافته و نفرت نیروهای مترقی همه کشورها را که زمانی با شادمانی بسیار انقلاب ایران را پی می گرفتند، برانگیخته است. نیروهای انقلابی کشورهای مختلف اکنون به شیوه های گوناگون اقدامات سرکوبانه جمهوری اسلامی را محکوم کرده و دلبستگی خود را با مبارزات مردم ایران، ابراز می دارند. کمونیستها و تشکلهای کارگری انقلابی کشورها، در انعکاس دادن صدای مردم ایران در سطح جهانی نقش عمده را ایفا کرده اند. آنها رشد جنبش کارگری، میهن ما را پی گرفته و به مناسبت های گوناگون با آن ابراز همبستگی می کنند. يك نمونه بقیه در صفحه ۲

راهپیمائی وسیع مردم پاریس در دفاع از صلح جهانی

وخلع سلاح در صفحه ۳

میتینگ ها و نشست ها

باخلفای ایران و عراق

در فرانسه در صفحه ۳

جشن بین المللی بزرگداشت

شصت و هفتمین

سالگرد انقلاب اکبر

در لندن در صفحه ۹

سردبیر "دیلی ورلڈ"، ارگان حزب کمونیست آمریکا:

اکثریت رأی دهندگان به ریگان، با سیاست تسلیحاتی او مخالفند

در صفحه ۱۰

مروری بر "بحران برنج"

شدتی بیش از پیش نمود پیدا کرد. اکنون کار به جایی رسیده است که عده ای از اهالی آمل در نامه ای که در اطلاعات ۱۹ آبان درج شده است، چنین می نویسند: در شهر ما "فقط در ظرف ده روز گذشته تا حال برنج ظالم آمل از کیلویی ۲۵۰ تا ۲۶۰ ریال به بیش از ۴۰۰ ریال رسیده است و پیش‌بینی می شود دیری نخواهد گذشت که نرخ آن در بقیه در صفحه ۴

یکی از نخستین اثرات فتوای ۴ شهریور سپردن نام و تمام توزیع برنج به دست تجار بزرگ بازار بود. بعد از اعلام این تصمیم، تبلیغات بسیاری با این مضمون صورت گرفت که دیگر منگلی به نام برنج وجود نخواهد داشت و دست باکفایت "تجار محترم" این کالا را به نرخ ارزان در اختیار مصرف کنندگان قرار خواهد داد. هنوز این تبلیغات ادامه داشت که "بحران برنج" با

تصویرهای خون‌آلود (۲)

چند خاطره از زندان در صفحه ۵

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی،

سیاه و رنگین است در صفحه ۶

صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

از میان نامه‌ها

نامه ای از ایران در رابطه با وضعیت یکی از بیمارستانهای تهران :

"... هفته پیش دخترم ناکهسان حالش بهم خورد . مجبور شدیم او را شبانه به بیمارستان ببریم . ولی به هر بیمارستانی مراجعه کردیم از بیمارستان پارس گرفته تا غیره ، قبول نمی کردند . بالاخره بعد سه چهار ساعت دلبره واضطراب و سرگردانی ، یکی از بیمارستانها قبول کرد . شب من هم پیش دخترم در بیمارستان ماندم چون قسمت - اورژانس بود و در بخش جا نداشتند ، لازم بود که یک نفر از مرخصین مواظبت کند . تا وقتی آدم وضع بیمارستانها را ندیده و عملاً لمس نکرده ، نمی داند اوضاع از چه قرار است . از آن روز به بعد هر کسی را که می بینم ، سفارش می کنم مرخص نشود تا مبادا ، گزارش به بیمارستان بیفتد .

آن شب و شب بعد ، آنقدر تصادفی زیاد بود که حد نداشت . همینطور بچه هایی که از بلندی پرت شده بودند ، موارد اورژانسی ناشی از حوادث حین کار ، مسمومیت ، بیماریهای عمومی و غیره . مجروح جنگی هم که دیگر طبق معمول نذو و نپرس .

در بیمارستان دکتر به ندرت پیدا می شد . اکثرانترن بودند . مسئولین بیمارستان مریضها را با این بهانه که جا نداریم ، رد می کردند . کاملاً معلوم بود که بیمارستانها ، بیمارها را به هم پاس می دهند . این جا می گوید برو امام خمینی ، آنجا می دود برو بیمارستان شریعتی یا مصطفی خمینی ! ... همه بیمارستانها دستور دارند مجروحین جنگی را فوراً بپذیرند . برای همین منظور تعداد ، زیادی از تختها را خالی نگه می دارند . آن شب مرد بیماری را که خیلی هم وضعش وخیم بود ، آوردند که بستری کنند . مسئولین بیمارستان گفتند جا نداریم . می خواستند او را دست به سر کنند .

من بلافاصله ، وسط جرو بحث آنها دیدم و گفتا تا قیامت خالی دارد . مسئولین ، گفتند این اتاق زنانه است . گفت ما حاضریم پرده ها را بکشیم و تختها را جدا کنیم .

کنون جایی را نیافته اند و مجبورند هر شب با اعصابی خسته و با روحی کسل اتاقی را در - مسافرخانه یا جای دیگر پیدا کنند . و " تاکنون حدود ۲ هزار نفر از دانشجویان این دانشگاه (دانشگاه ملی) به علت دست نیافتن به خوابگاه و مسکن ترك تحصیل نموده اند ."

در تشریح وضعیت کنونی دانشگاه ها و مدارس عالی باید برانزوا و رسوایی گسترده رژیم و ایادی و مبلغان و جاسوسانش در دانشگاه ها تاکید ویژه ای نمود . حرکت در جهت تامین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و مجموعه اقدامات ضد ملی و ضد دموکراتیک و نیز فاجعه آفرینی های آموزشی و فرهنگی حاکمیت جمهوری اسلامی بشدت رژیم و ایادیش در دانشگاه ها را در انزوا قرار داده است . اگر در انتخابات برای شورا های دانشجویی در سال ۱۳۵۸ ، انجمن های اسلامی می توانستند به طهر متوسط ۳۰ درصد و حتی در مواردی - نزدیک به ۵۰ درصد آراء دانشجویان را به خود اختصاص دهند ، اینک دیگر سختی

می توان از وجود طرفدار و رای دهنده برای رژیم در میان دانشجویان سخن گفت .

انجمنهای اسلامی و جهاد دانشجویی دانشگاهی نیز دیگر از مسلمانان متوهم تهیم شده و افراد هر چه محدودتر و تنهاتر ، فرصت طلبان ، جاسوسان و ایادی رژیم را دربر می گیرد . این امر نگرانی شدید مقامات و رهبران رژیم را نیز برانگیخته است . نگرانی از انزوای هولناک در مراکز آموزش عالی و تریس از اچگیری اعتراضات و مبارزات دانشجویی - ثانی ، آنان را بیش از پیش سراسیمه ساخته است . سمینارهای متعدد و رنگارنگ ، سخنرانیها ، مصاحبه های مطبوعاتی و ... که اینروزها به وفور در مورد مسائل دانشگاهی و دانشجویان دیده و شنیده می شود و مطالب عنوان شده در آنها ، به روشنی اثبات این مدعاست .

ما در طی ۷ شماره نشریه ، تنها به بیان فهرست وار سیاهکاریهای رژیم در مراکز آموزشی - دبیرستانی و دانشگاهی - توفیق یافتیم اما باید اذعان داشت که این سیاهه را تا آن هنگام که توده های مردم نقطه پایان بر سر حاکمیت ارتجاع در میهنمان بگذارند ، پایانی نیست .

تصویرهای خون آلود

شده است . به شکلی غریزی از ته حنجره صدایی در می آورم . احساس می کنم آنچه در این لحظه مرا وادار به ادامه حیات می کند ، تنها و تنها کینه است و نیتدانم چند بار دیگر از هوش میروم و به هوش می آیم که ناکهسان حس می کنم چهار دست ، زیر بغلها را گرفته و روی زمین می کشند . لیحنا تسبی بعد در زیر هشت ، روی زمین نشسته ام و بهزاد بالا سرم است . هر قدر سر سنگینم را بالا می بینم هیکلش تمام قد در نگاهم نمی نشیند . انگار

همراهان مرخصین التماس کردند که این کار را عملی کنند . اما پذیرفته نشد .

همان شب ، با شنیدن صدای فریاد پیرمردی رفتم توی راهرو . دیدم پیرمرد ۶۵-۶۰ ساله ای روی زمین نشسته در حالیکه بلند بلند گریه می کرد ، خودش را می زد و سرش را به دیوار می کوبید . عده ای هم دورش جمع شده بودند . وی مرتب می گفت پسر من چه خاکی به سرم بریزم ؟ کجا میبرم ؟ هر جا می برم می گویند جا نداریم ! ببر بیمارستان دیگر ! آخه دخترم دارد می میرد . من هم وسیله ندارم . الان هم ساعت ۳ بعد از نصفه شب است . به من رحم کنید ! صحنه خیلی دلخراش بود . از طرف مسئولین بیمارستان ، به نگهبانان دم در خبر دادند که بایند و این مرد و مریضش را از بیمارستان بیرون کنند .

همراهان یکی از بیماران برایم قضیه در دانتیزی را تعریف کرد . او گفت چند شب پیش خانمی پسر بچه ۱۳ ساله اش را به بیمارستان آورد . این پسر دانش آموز بود . ناظم مدرسه او را بخاطر شیطنت تنبیه کرده بود . به این صورت که او و یک بچه دیگر را روی زمین می نشاند و چندین بار سر آنها را محکم به یکدیگر می کوبد . ظاهراً به مغز سرش ضربه وارد شده بود . مادرش می گفت که بچها ترس و درد شلوارش را هم کثیف کرد . مادر با هزار بدبختی او را به بیمارستان رساند . اما او را قبول نمی کردند . بالاخره با گریه و زاری توانست او را بستری کند اما هیچ کس نمی آمد تا این بچه را مرخص کند . ساعت دو بعد از نصفه شب بود که بالاخره با سرو صدای همراهان بیماران دیگر ، یکی می آید و نگاه می به او می اندازد .

کتک زدن در مدارس ، فکر می کنم مدتی است آزاد شده . مثلاً اخیراً در مدرسه ای در تهران پارس ، که بیشتر محصلین این مدرسه از خاک سفید به آنجا می آیند ، ناظم جلوی چشم بقیه بچه ها یک دانش آموز کلاس پنجم دبستان را فلک کرد . همین فرد برای تنبیه بچه دیگری با قسمت تیز خط کش ضریات محکمی به کف دستش می زند در حالیکه این دانش آموز دستش سوخته بود و تاول داشت ، و آواز شدت درد می پویش شد ."

را با همیکنند وادست دیگر موهای قیچی شده ام را در دهان فرو می برد و هانپهر از موهای خون آلود است . نفسم بند آمده . موهایم را قورت میدهم . در آن حال ، صدایش را می شنوم که می گوید : " بگو ! اون چیزهایی رو که گفته ای ، بگو ! " تمام توانم را از نواک پنجه پا تا سر دردها - نم جمع می کنم و لخته ای خون و موی چسبیده به هم ، به بیرون تف می کنم . به روی صورتش می نشیند . با ضربه پو تیشش که بر دهانم فرود می آید بار دیگر از هوش میروم .

ادامه دارد

کش می آید . عریه می کشد : " چرا موهاات این قدر بلنده ؟ " در جوابش مانند گرگ کسی زخمی زوزه می کشم . می خواهم پایش را کنار بخیرم و تا ابد رها نکنم اما توان هیچگونه حرکتی در تنم نیست . لحظاتی بعد موهای سر را قیچی می کند یا بهتر بگویم می کشد و جلوی دهانم می گیرد . " بخور ! بخور نه ... ! " از شدت خشم و ناتوانی جسمی اشک در چشمانم فرو کرده ام می نشیند . می خواهم به رویش تف کنم . اما لخته ای ، خون بروی سینم ام می افتد . ناگهان مانند گراز وحشی با جثه سنگین بروی سینم ام می نشیند . با یک دست دهانم

در حاشیه

شان نزول باران

صانعی دادستان کل کشور:

"رزمندگان اسلام در عملیات اخیر نیز از امداد های غیبی برخوردار شدند. یکی از آنها ایجاد ترس و وحشتی بود که در دل دشمن ایجاد شد و باعث گشت که دشمن در بعضی جاها دست به عقب نشینی بزند و دیگر شرایط جوی بود که در مواقع حساس باران می آمد و هواپیما های دشمن بر اثر تراکم ابرها و نزول باران نتوانستند به نیرو های دلاور ما حمله کنند."

(کیهان - ۵ آبان)

مثنوی هفتاد من کاغذ

یکی از نمایندگان مجلس:

"کشتی آهن خورده می شود و بعد هم حتی معلوم نمی شود چه کسی خورده است. در وزارت بازرگانی ۶۰۰ هزار لامپ مبادی وارد می شود و علی رغم ممنوعیت ورود، معلوم نیست چه کسی وارد کرده است! و بالاتر، پرونده ای در دادگاه انقلاب اسلامی کرج در ارتباط با ۲ هزار تن آهن غیر مجاز مطرح بوده است که دادگاه حکم توقیف عده ای را می دهد و بعد که پرونده مورد رسیدگی قرار می گیرد متهمین پرونده جریبه می شوند، مقرر می گردد که اموال توقیفی آزاد شود. یکی از متهمین در بانک سکه های طلای غیر مجاز داشته که در موقع پرداخت در بانک آنقدر بی حساب بوده که حدود ۵ میلیون تومان اضافه بر ارزش طلای توقیفی، طبق صورت جلسه موجود، به وی پرداخت شده است و نظایر اینها به قدری زیاد است که اگر بنا به گفتن باشد، به قول شاعر، مثنوی هفتاد من کاغذ می شود."

(اطلاعات - ۱۴ آبان)

پیش به سوی جبهه ها!

کیهان ۱۶ آبان:

"محقق نماینده کرج از وزیر کار خواست تا آمار جبهه رونده های سال گذشته کارخانچہ کرج را با امسال مقایسه کنند و ببینند که چگونه سیر نزولی خود را طی می کند."

دیوار حاشا

کیهان ۸ آبان:

"تعداد دانش آموزان رشته فیزیکی در سال دوم نظری در فاصله سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ تا ۶۱ - ۱۳۶۰ در یک قوس نزولی از ۲۷۶۰۲ نفر به ۱۴۰۵۳ نفر کاهش یافته است و در سال سوم باز هم از ۲۴۴۳۹ نفر به ۱۴۵۳۶ نفر و در سال چهارم از ۲۶۸۸۰ نفر به ۱۶۷۸۹ نفر افت تحصیلی وجود داشته است. در مقابل در رشته اقتصاد و اجتماعی در همین فاصله زمانی در سال دوم از ۸۳۵۴۳ نفر به ۱۳۶۰۶۱ نفر، در سال سوم از ۶۹۳۲۲ نفر به ۱۱۵۷۳۹ نفر و در سال چهارم از ۶۵۲۱۵ نفر به ۱۰۱۷۴۴ نفر رسیده است."

کیهان ۹ آبان:

"از عبد خدایی رئیس کمیسیون آموزش، فرهنگ و تحقیقات مجلس، سؤال شد که رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی به علت حذف معلمان کار آمد و با تجربه کاهش رشد داشته و در مقابل، رشد رشته هایی مانند، اقتصاد فزونی یافته است. آیا شما این مساله را تایید می کنید و بطور کلی شما علت این افت را در چه می بینید؟ عبد خدایی گفت: من به این نقطه که شما می گوئید نرسیده ام و این يك ادعایی است که بایستی طبق آمار بررسی و گزارش شود. خبر نگار ما (کیهان) پرسید: شما در کمیسیون به چه نتیجه ای رسیدید؟ وی گفت ما در کمیسیون به این نتیجه نرسیدیم که تحصیلات دانش آموزان افت کرده باشد."

پرسیده شد: در شهرستانها مواردی دیده شده است که حتی در برخی از کلاسهای ریاضی تا ۸۰ درصد مردودی وجود داشته است و در تهران نیز برخی نقاط این آمار ۵۰ تا ۶۰ درصد ذکر شده است. این خود

نشان می دهد که بازده کلاسها پایین است.

رئیس کمیسیون ۰۰۰ مجلس گفت: خوب بود که شما اینرا مستند و به این ترتیب که مثلا در فلان دبیرستان این آمار هست و ۰۰۰ بیان می کردید. روی هم رفته کمیسیون بطور کلی به این نتیجه نرسیده است که وزارت آموزش و پرورش افت داشته باشد.

خبر نگار ما (کیهان) گفت: یکی از نمایندگان مجلس نیز اخیرا با ذکر آمار به مساله افت تحصیلی و تغییر درصد شاغلین به تحصیل در رشته های علوم ریاضی و تجربی و علوم انسانی اشاره کرد.

عبد خدایی ۰۰۰ باز شما می فرمائید يك "آقای" "نماینده ای"، کی هست؟ - آمارش چه بوده است؟

نظام دانشگاهی نوین!

نخست وزیر:

"فعالیت دانشگاهها و نظام دانشگاهی نوین که بر اساس معیارهای اسلامی در حال شکل گرفتن است، نشانی از قدرت نظام ما از يك سو و توجه این نظام به فرهنگ و مبتنی بودن بر مبانی فرهنگی از جانب دیگر است."

(جمهوری اسلامی - ۵ آبان)

کیهان ۲۳ مهر:

"خطری که دانشگاه ۰۰۰ را تهدید می کند و نشانه های این خطر را در محیط کنونی دانشگاه می توان به وضوح مشاهده کرد که خطر رشد گرایشات رفاه طلبی، بی انگیزگی، بی تفاوتی و ولنگاری، بی بند و باری و گسترش مجدد فرهنگ غرب گرایی - که فساد و اعتیاد های گوناگون زبانبارز ملزومات اصلی آن است - می باشد."

یقینا خام اندیشی، تنگ نظری، قشری گری، برخورد های عکس العملی و فقدان سعه صدر و روحیه آزاد منشی در پیدایش و اوج گیری جو فوق، بی تاثیر نبوده است."

اختراع جدید نواخ ج. ۱۰

رئیس فدراسیون کشتی، برای مسافرت به خارج از کشور، يك "آفتابه تاشو" طراحی کرده است. (کیهان ورزشی - ۱۲ آبان)

تلاشهای آنها و متعاقب آن برخی جناحهای حکومتی باعث شد که "بحران برنج" علنی شده و به روزنامه ها کشیده شود.

اکنون دم به دم بر ابعاد بحران افزوده می شود. حتی روزنامه های حکومتی نیز پیش بینی می کنند که به زودی قیمت برنج داخلی به کیلویی ۶۰ تومان نیز خواهد رسید. (آزادگان - ۷ آبان)

نصیب مردم از این بحران، سفره خالی است، نصیب بازار، انباردای پر و گاوصند و قهقهه انباشته. نصیب حکومت نیز روسیاهی هر چه بیشتر است. نتایج خط "بازار را شریک نکنید در کارها" جز این نمی تواند باشد.

برنج که در مدتی کوتاه نمود های پررنگی داشت، صاحبان سرمایه های کمتر و بویژه دلالان برنج در استانهای شمالی کشور را به وحشت افکند. عوامل سرکردگان اصلی بازار برنج در تهران، داشتند به کف انبارهای برنج در گیلان و مازندران جارومی زدند، که عده ای دیگر از تجار بویژه تجار برنج در شمال که در رابطه با تجارت این محصول برای خود حق آب و گل قائلند، به تگاپو افتادند. آنها کوشیدند از طریق ائمه جمعه شهرهای شمال بویژه احسان بخش، به اهرمهای سیاسی متوسل شده و از شدت رقابت بکاهند و دولت را به داوری در این مسابقه دعوت کنند.

مروری بر...

سود حاصل از افزایش برنج به جیب فراخ اقلیت محدودی می رود که از خون زحمتکشان برنجکار و انبوه مصرف کننده این محصول، ارتزاق کرده و دم بدم فریه ترمی شوند. بنا به نوشته روزنامه آزادگان ۷ آبان سراسر جنبانان تجارت برنج در داخل کشور از ۲۰۰ نفر تجاوز نمی کنند و تازه در میان آنها سرکردگان اصلی به ده نفر هم نمی رسند.

همه سرمایه داران، در برابر مردم جبهه متحدی دارند، اما آنکه پای رقابت برای چپاول هر چه بیشتر در میان باشد، به چنان هم نمی افتند. روند انحصاری شدن تجارت

خلیج فارس: "گسترش افقی تشنج؟"

بخشی از نوشته دیمیتری ولسکی در هفته نامه عصر جدید شماره ۴۵، نوامبر ۱۹۸۴

در سازمان ملل متحد، که با رفتار ماجراجویانه خود معروف شده است، اخیراً در یک مصاحبه به رئیس خود، در صورتی که بتواند در کاخ سفید بماند، توصیه ای مبنی بر "صلح به هر قیمت" و "خاموش کردن" کانین - های محلی بحران کرده است. به نظر می رسد مثلاً نباید اجازه داد جنگ ایران و عراق به سایر کشورها گسترش یابد و بعنوان نمونه از این طریق کشوری مانند لیبی وارد آن شود، چرا که در این صورت این جنگ به شمال آفریقا نیز سرایت خواهد کرد. کرک پاتریک افزوده است همچنین باید از تشدید وخامت اوضاع در جنوب آسیا نیز جلوگیری نمود.

چه سخنان معقولی:

آیا این به معنای نوعی چرخش در سیاست آمریکا است؟ به یاد آوریم: مگر این، واشنگتن نبود که زمانی پیش بینی های مبنی بر سقوط، اجتناب ناپذیر، خمینی در ایران را پس از نخستین روزهای جنگ می پراکند و بدین طریق آغاز جنگ را تشویق می کرد؟ بعدها چه کسی با تبلیغات در خلاف جهت پیش بینی قبلی، رژیم های سلطنتی و محافظه کار عربی خلیج را از اباحت "تهدید ایرانی - شیعی" دچار هراس ساخته و آنان را وادار به خرید شتابان سلاح های آمریکایی می نمود؟ این واقعیت بقدر کافی شناخته شده است. اما این نیز روشن است که واشنگتن با خود پسندی - اشی تا آنجا پیش رفت که به توانایی خود برای اعمال نفوذ بر روند های خلیج پریها داد و شبخی را از بطری بیرون آورد که زمام آن دیگر

در نیمه دوم اکتبر، اوضاع در جبهه جنگ ایران و عراق دچار یک چرخش چشمگیر شد که البته جزئیات آن را نمی توان از گزارش های متناقضی که از این منطقه می رسد، دریافت. اما با این حال، می توان بر پایه اطلاعات موجود، تصویری که پیش روشن را تشخیص داد. نخست، ارتش ایران به اتفاق "پاسداران انقلاب اسلامی" دست به حمله ای در بخش مرکزی جبهه زد. نیروهای عراقی این حمله را با استفاده از برتری فنی خود دفع کرده و اقدام به حمله متقابل نمودند. اما ابعاد این عملیات، محدود بود، از جمله به این علت که مطابق فرضیه های موجود ایران نیروهای خود را عمدتاً نه در بخش مرکزی که در بخش جنوبی جبهه متمرکز کرده بود، به نوشته روزنامه زاپنی "تکیو شیمپون"، در این منطقه، در کنار خلیج فارس، حداقل یک میلیون سرباز ایرانی، یا به عبارت دقیق تر و بطور عمده "پاسدار" حضور دارند. البته بعید است شمار آنها و میزان تعصبشان بتواند آموزش نظامی ناقص آنان را جبران نماید.

در ماه اکتبر، تلفات دوطرفه، برخلاف تابستان که به دهها نفر بالغ می گردید، به هزاران کشته و مجروح رسید. در خلیج، تعداد کشتی های غرق شده افزایش یافت. خطر گسترش درگیری به کشورهای همسایه بیشتر شده است. در این میان، جریان رویدادها واشنگتن را بر آن داشته است ژست "پاسدار صلح" را به خود بگیرد، امری که البته در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، بسیار سودمند است! کرک پاتریک، نماینده آمریکایی

در دست خود او نیست.

گسترش جنگ ایران و عراق، توازن قوای ناپایدار نظامی - سیاسی میان د ولت های کل منطقه، از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند را بر هم زده و به عنوان محرک بروز دوباره اختلافات مذهبی و ملی که مدت ها پیش خاموش شده بود و ریشه آن به قرون وسطی برمی گردد، عمیق تر کرده است. در وهله اول، کانون جدید جنگ به نوعی حلقه اتصال میان کاننهای محلی دیگر و "قدیمی تر" بحران تبدیل شد. که در این رابطه باید به ویژه از اختلاف اعراب - اسرائیل و هند - پاکستان نام برد. این جنگ، به وسوسه ماجراجویی حکام تل آووه که در تشدید تفرقه در جهان عرب توسط جنگ ایران و عراق، سرانگشت تقدیر را می دیدند، دامن زد و آنها، با عجله به لبنان حمله کردند. از سوی دیگر جنگ خلیج افراطی گری اسلامی را که در جنگ "اعلان نشده" علیه افغانستان و توطئه علیه هند بازتاب می یابد، تقویت نمود. بدین ترتیب، دایره کاننهای تشنج، که کل جنوب آسیا و شمال آفریقا را در بر می گیرد، بسته شد. عواقب انفجار در هر نقطه از این دایره، اکنون دیگر به ابعاد محلی محدود نشده و نتایج گسترده تری خواهد داشت.

این است آن "گسترش افقی تشنج" که سیاستمداران واشنگتن مدت ها پیش از انتخاب بسیار روشن درباره آن صحبت می کردند. البته منظور آنها، گسترش عددی بحرانهای محلی بود. اکنون واضح است که در عمل، "گسترش افقی" جدا از "گسترش عمودی"، که با بکارگیری سلاح های هرچه مخرب تر همراه است، امکان پذیر نیست. از این رو، پایان دادن هر چه زودتر به این تشنجات از اهمیت زیادی برخوردار است. از آن جمله، جنگ منطقه خلیج است که هنوز ادامه دارد.

جشن بین المللی بزرگداشت شصت و هفتمین سالگرد انقلاب اکتبر در لندن

بودند از: دبیر اول سفارت اتحاد شوروی در بریتانیا، رفیق جری پورکاک از سوی کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست انگلستان و بیل جیمز نماینده اتحادیه معدنچیان ناحیه کنت.

در همه این سخنرانی ها اهمیت دستاوردهای انقلاب بزرگ اکتبر تشریح شد و بر روی نقش قاطع اردوگاه سوسیالیسم در سیر بشریت به سوی صلح، دموکراسی و سوسیالیسم تاکید گردید. نماینده معدنچیان انگلستان در سخنرانی خود از همبستگی کشورهای سوسیالیستی با مبارزه معدنچیان اعتصابی، ستایش نمود و این نکته برجسته را ابراز داشت که "معدنچیان برای آنچه که اینک همکارانشان در کشورهای سوسیالیستی بدان دست یافته اند مبارزه می کنند."

از سوی کمیته سازماندهی جشن که رفقای ما در آن شرکت فعال داشتند یک رفیق پرتغالی سخنرانی کرد. وی ضمن گرامی

در روز شنبه سوم نوامبر، جشن پرشکوهی به مناسبت شصت و هفتمین سالگرد انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر در لندن برگزار گردید. احزاب و سازمانهای زیر از برگزاری این جشن حمایت به عمل آورده بودند:

حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، AKEI (قبرس)، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست سودان، هواداران حزب کمونیست اسرائیل، جبهه دمکراتیک یمن، PPP (غنا).

کشورهای جمهوری دمکراتیک آلمان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری خلق لاوس، جمهوری خلق افغانستان و جمهوری خلق یمن نیز برای این جشن پیام فرستاده بودند.

سخنرانان برجسته این جشن عبارت

داشتن سالگرد انقلاب اکتبر، یادآور شد که آمریکا و دیگر متحدانش، تلاش می ورزند تا به شکلهای مختلف علیه نظام جهانی سوسیالیسم، مبارزه کنند. اما سوسیالیسم دیگر یک پدیده تثبیت شده است و همین نظام است که عامل تعیین کننده سیر تاریخ بشری است.



در این مراسم برنامه های هنری زیبایی از سوی چندین گروه از آمریکای لاتین، مغاور میانه منطقه مدیترانه و آفریقا برگزار شد که با استقبال گرم شرکت کنندگان مواجه گردید.

سردبیر "دیلی ورلد": ارگان حزب کمونیست آمریکا:

اکثریت رأی دهندگان به ریگان با سیاست تسلیحاتی او مخالفند

این سیاست جدا می کنند.

این، تاکتیک ریگان در آخرین فاز مبارزه انتخاباتی نیز بود. او نیز در این مقطع خود را طرفدار مذاکرات و فردی و نمود می کرد که با تمام قوا برای صلح کار می کند.

سر: بدین ترتیب، نکات منفی از فرد جدا شدند. اما رأی دهندگان به ریگان چه چیز او را مثبت یافتند؟

ج: برای شرکت کنندگان در انتخابات، مهمترین مسئله، اقتصاد بود. آمریکا در حال حاضر در فاز صعودی، دایره اقتصادی به سر می برد. بسیاری گمان می کنند این امر ناشی از سیاست اقتصادی ریگان است.

البته این دو به هم هیچ ربطی ندارد. اما در پایین ترین نقطه دایره، ریگان سخن از قربانی -هایی به میان آورده بود که می بایست متحمل شد، و اکنون قضایا ظاهرا بدین شکل است که وعده نتایج مثبت (این قربانی ها)، با توجه به بهبود وضع اقتصادی، و رو به تحقق است. ارقام نشان می دهد که عوامل اقتصادی نقش بسیار بزرگی در انتخابات ایفا کرده است.

۶۰ درصد شاغلین دارای درآمد سالانه بین ۲۰ تا ۴۰ هزار دلار، به ریگان رأی دادند. اکثریت بیکاران و شاغلین دارای

درآمد کم، به طور واضحی ماندیل را انتخاب کردند. ۹۰ درصد کارگران سیاهپوست به کاندیدای دمکراتها رأی دادند. این رقم در تاریخ آمریکا بیسابقه است. اما در عوض از افراد بازنشسته، که کسر بودجه های رفاهی فشار زیادی را متوجه آنان نموده، ۶۵ درصد ریگان را برگزیدند. زیرا وعده او را مبنی بر اینکه دوره قربانی دادن به سر رسیده، باور کردند.

سر: اثر بسیاری شهروندان آمریکایی با این انتظار به ریگان رأی دادند که دوران کسر

در روز ششم نوامبر، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انجام گرفت و به ایقای رونالد ریگان در سمت ریاست جمهوری ایالات متحده انجامید. با در نظر گرفتن مشی ماجراجویانه ای که دولت ریگان در چهار سال گذشته در عرصه سیاست خارجی دنبال کرده، و نیز فشار بیسابقه ای که سیاست اقتصادی او بر طبقه کارگر و بسیاری دیگر از اقشار جامعه آمریکا وارد می آورد، این سؤال قابل بررسی است که چه عواملی باعث شد ۵۸ درصد رأی دهندگان، ریگان را انتخاب کنند؟ روزنامه "عصر ما" نشریه حزب کمونیست آلمان با "مایک زاکارل" سردبیر "دیلی ورلد" ارگان حزب کمونیست آمریکا مصاحبه ای، پیرامون انتخابات این کشور انجام داده است.

عصر ما: در مقدمه این مصاحبه می نویسید: "تنها ۵۲ درصد شهروندان آمریکایی دارای حق رأی، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند. از این عده ۵۸ درصد به ریگان و ۴۱ درصد به ماندیل رأی دادند. ۵۳ میلیون نفری که ریگان را انتخاب نمودند ۳۰ درصد و جدین شرایط را تشکیل می دهند. این، بدان معنی است که حتی یک سوم افراد نیز به ریگان رأی ندادند." متن مصاحبه بدین شرح است.

س: در کشور ما، بسیاری از مردم نگران آنند که آیا انتخاب ریگان، نشان داد که اکثریت رأی دهندگان در آمریکا موافقت خود را با استراتژی جنگ افروزان ریگان اعلام کرده اند؟

ج: بدون تردید خطر اینکه آمریکا به سوی برانداختن جنگ سمت گیری کند، بیسابقه انتخاب ریگان افزایش یافته است، اما این نتیجه اجتناب ناپذیر انتخابات نیست. چرا که در واقع رأی دهندگان به ریگان، برنامه جنگی او را انتخاب

نکردند. نظرخواهی های نمونه وار، که پس از انتخابات انجام گرفته، حاکی از آن است که ۶۸ درصد افرادی که به ریگان رأی دادند، این را قبول ندارند که جنگ با اتحاد شوروی، اجتناب ناپذیر است، بلکه خواهان انجام مذاکره با شوروی هستند. تنها هشت درصد رأی دهندگان به ریگان، جنگ با اتحاد شوروی را "گریز ناپذیر" می دانند.

س: در رسانه های گروهی، سخنان از "پدیده تفلون" است. می گویند رئیس جمهور را قشری در بر گرفته که در انتظار مردم هیچ چیز منفی به او نمی چسبد، حتی عواقب سیاست خودش.

ج: "پدیده تفلون" تا حد زیادی اختراع رسانه هاست. هرچا سیاست پرزیدنت ریگان در انتظار مردم منفی است، فرد ریگان را از

به سمت راست انجام نداده اند. دلیل آن، انتخابات کنگره است. در سنا، جمهور-یخواهان دو کرسی از دست دادند. درست است که در مجلس نمایندگان، حزب جمهورخواه ۱۴ کرسی بیشتر بدست آورد، اما یازده عدد از این کرسی ها قبلا در دست دمکراتهای راست قرار بود. بنا بر این، سخن گفتن از تکان شدید و زلزله وار به سمت راست رایی و محافظه کاری، به کلی بی مورد است.

س: این نگرانی وجود دارد که ریگان در دوره دوم ریاست جمهوری خود، چهار سال بدون آنکه از واکش مردم هراس چندانی داشته باشد، حکومت کند و از این طریق و درست به همین دلیل خطراتی که متوجه صلح جهانی است، و به ویژه، خطری که نیکاراگوئه دمکراتیک را تهدید می کند، افزایش یابد.

ج: ریگان برخی ملاحظات را کنسار خواهد گذاشت. اکنون به تجاوزه علیه نیکاراگوئه علنا دامن می زند. اما علاوه بر فاکتورهای بی: المللی، نیروی ای، بزرگ داخلی نیز همچنان علیه ریگان عمل می کنند، امری که وی بایست در دوین دوره ریاست جمهوری خود نیز آن را در نظر داشته باشد. در سال ۱۹۸۶، انتخابات سنا انجام خواهد گرفت. ۳۳ سناتور انتخاب خواهند شد. از این ۲۲ کرسی، هم اکنون ۲۲ کرسی در دست جمهورخواهان است. بدین ترتیب، آلمان از بین رفتن اکثریت جمهورخواهان، که در حال حاضر ۵۳ کرسی از ۱۰۰ کرسی سنا را در اختیار دارند، زیاد است. ثانیاً، مبارزه انتخاباتی اخیر نشان داد که بخشهای مهمی از سرمایه داران بزرگ، انتقاداتی به سیاست خارجی ریگان دارند. مثلاً نیویورک تایمز در این عرصه مخالف ریگان است. ثالثاً - و این از همه میختر است، اکثریت عظیم مردم آمریکا مخالف رهیاری نظامی-اند. ریگان در کارزار انتخاباتی خود نیز این امر را در محاسباتش گنجانده بود. می توان گفت جنبش صلح پس از انتخابات، خود را بیشتر نشان خواهد داد و کاخ سفید فشار بازهم بیشتری را متحمل خواهد شد.



بودجه های اجتماعی به پایان رسیده و ریگان اینک می خواهد سیاست صلح را دنبال کند، واقعیت بسزوی آنها را سرخورده خواهد کرد. آیا این نارضایتی می تواند به یک نیروی سیاسی علیه سیاست ریگان تبدیل شود؟

ج: گمان می کنم این امر خیلی زود تحقق خواهد یافت. پیروزی ریگان، راستها را تقویت نکرد اما این امر قطعی است که راهی دهندگان آمریکایی با این انتخاب، حرکت ایسددنولوژیک

رویدادهای
جهانخلق نیکاراگوئه آماده مقابله
با متجاوزین آمریکایی است

با توجه به خطر فزاینده تجاوز آمریکاییان به ایستهای آمریکایی، دولت نیکاراگوئه به پشتیبانی قاطع مردم این کشور، اقداماتی به منظور تدارك مقابله با متجاوزین انجام داده است. در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه، دستور مسلح شدن میلیشیای خلقی صادر نیست برای دفاع از شهر داده شد. ۲۰ هزار جوان که برای کمک به برداشت محصول قهوه بسیج شده بودند، به نیروی دفاع از کشور پیوستند. دوشنبه گذشته، وزارت دفاع نیکاراگوئه برای همه نیروهای مسلح، واحدهای ذخیره و میلیشیای ساند نیست حالت آماده باش اعلام کرد. تا کنها و زرهوشها، نقاط، مواضع استراتژیک ماناگوارا سحرگاه دوشنبه تحت پوشش دفاع خود قرار دادند.

در یک کنفرانس مطبوعاتی در ماناگوا، امبرتو اورتگا وزیر دفاع عزم راست مردم و دولت نیکاراگوئه برای بسیج همه نیروها به منظور دفع تجاوز آمریکا را مورد تاکید قرار داد. وی گفت "از هر شهر، هر دهکده و هر خانه با همه وسایل موجود دفاع خواهیم کرد". اورتگا افزود در روزهای آینده، واحدهای جدید نیروهای مسلح تشکیل خواهد شد. وزیر دفاع نیکاراگوئه پیرامون تبلیغات دولت آمریکا علیه آمادگی کشور، برای دفاع از خود، اظهار داشت:

"نیکاراگوئه از حق مسلم خود برای پذیرش کمک معنوی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی، از جامعه بین المللی استفاده خواهد کرد". به گزارش خبرگزاریها، در محلات مسکونی و کارخانجات ماناگوا، مردم به حفیر سنگسر و پناهگاه خد هوابی مشغولند. به تعبیر روزنامه "ال نوتو دیاریو"، "حلقه ای از انسان و فولاد" از پایتخت در برابر متجاوز محافظت می کند.

از سوی دیگر، دولت آمریکا به جوسازی علیه نیکاراگوئه انقلابی ادامه می دهد. چنین کرک پاتریک "نماینده واشنگتن در سازمان ملل متحد تهدید کرد که تا سه ماه دین"، مسئله نیکاراگوئه حل خواهد شد. معاون رئیس کمیته مسئول سرویس های جاسوسی در سنای آمریکا، سناتور مومینی هان، اظهار داشت از نظر آمریکا، اعمال قهر علیه نیکاراگوئه منتفی نیست. در واشنگتن جزئیات طرح تجاوز آمریکا به نیکاراگوئه که از سوی پنتاگون آماده شده، فاش گردید. طبق این طرح، در فاز اول عملیات نیروهای هند و اس و اس وارد خاک نیکاراگوئه خواهند شد. در فاز دوم، "تقاضای کمک رژیم

های دوست آمریکا از دولت ایالات متحده پیش بینی شده است تا از این طریق پنتاگو بهانه لازم را برای انجام بمبارانهای هوایی و دریایی بدست آورد. نقشه تجاوز، در رؤس اساسی آن، با سناریوی اشغال کرانادادرتطابق است. در یادار "لاروک"، رئیس "مرکز اطلاعاتی دفاعی" آمریکا اعلام کرد تدارکات برای اشغال نیکاراگوئه به پایان رسیده و یک ناوگان کشتی های جنگی به سوی سواحل نیکاراگوئه در حرکت است. در امتداد مرزهای هند و اس و اس، نیکاراگوئه، زیر ساخت نظامی لازم برای انجام عملیاتی به پشتیبانی از نیروهای آمریکایی ایجاد شده است.

بازگشت به زندگی عادی
در دره پنجشیر افغانستان

یک مقام دولت انقلابی افغانستان اعلام کرد: اوضاع در دره پنجشیر واقع در ۱۰۰ کیلومتری کابل پس از قلع و قمع باند ضد انقلابیون به حال عادی در می آید. وی افزود در دره پنجشیر همه شرایط لازم برای زندگی عادی مردم فراهم است. جاده ها ترمیم می شود، بخشی از سیستم آبرسانی که توسط راهزنان و پسران شده بود، دوباره به کار افتاده است. مدارس گشایش یافته اند و مراکز پزشکی کار می کنند.

از سوی دیگر، دوتن از سربازان شوروی که در افغانستان، واحدهای خود را ترک کرده و از سوی رسانه های گروهی غرب برای تبلیغات ضد شوروی مورد سوء استفاده قرار گرفته بودند، در لندن به سفارت اتحاد شوروی مراجعه کرده و خواهان بازگشت به کشور خود شدند. روزنامه "زود دویچه تسایوتنگ" چاپ آلمان فدرال می نویسد این دو سرباز، در یک اردوگاه ضد انقلابیون افغانی وادار به تزریق مواد مخدر بسیار قوی به یکدیگر شده بودند. حتی روزنامه بورژوازی نامبرده نیز اکنون درباره اظهارات آن زمان دو سرباز مذکور پیرامون به اصطلاح "خشونت" نیروها، شوروی در افغانستان و "روحیه بد" حاکم بر نیروهای شوروی، اظهار شک و تردید نموده است.

مذاکرات لبنان - اسرائیل
و اهداف صهیونیستها

مذاکرات مقامات نظامی لبنان و اسرائیل که برای تدوین برنامه خروج نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان انجام می گیرد، هفته گذشته با موانع جدی روبرو شد. صهیونیستها با طرح بهانه های واهی، پنهان از رهبران شیعیان جنوب لبنان را دستگیر کردند و بدنبال آن، مذاکرات مزبور روز شنبه دهم نوامبر از سوی طرف لبنانی محال تعلیق درآمد. نبیه بری، وزیر کابینه دولت رشید کرامی برای جنوب لبنان و صدر شورای رهبری جنبش امل، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد کشورش تا وقتی نیروهای اشغالی اعضا و مسئولین جنبش امل را در بازداشت نگه دارند، از شرکت در مذاکرات

خودداری خواهد کرد. بری، مردم مناطق اشغالی را به برگزاری یک اعتصاب عمومی در روز دوشنبه فراخواند.

موج اعتراض به عملیات سرکوبگرانه صهیونیستها سراسر منطقه تحت اشغال ارتش اسرائیل را فراگرفت. از جمله، در شهر صیدا که زیر کنترل اشغالگران است، تظاهرات و اعتصاب بزرگ برای آزادی رهبران دستگیر شده شیعیان برپا شد. صهیونیستها بناچار بازداشت شدگان را پس از چند روز آزاد کردند.

علاوه بر ادامه تضييقات و سرکوب مردم جنوب لبنان، دولت اسرائیل موانع دیگری نیز بر سر راه موفقیت مذاکرات مربوط به جنوب لبنان ایجاد کرده است. پیش شرط "هایی که طرف اسرائیلی آن را برای خروج نیروهای خود از خاک لبنان" اجتناب ناپذیر" اعلام کرده، نشانه آنست که هدف واقعی صهیونیستها، دائمی کردن اشغال جنوب لبنان، ادامه مداخله در امور داخلی این کشور و ایجاد یک پایگاه علیه سوریه در مناطق اشغالی است. شرایط اسرائیل عبارتند از: برسمیت شناختن مزدوران صهیونیستها با نام "ارتش جنوب لبنان" به فرماندهی زئیرال آنتوان لحدازسوی، دولت لبنان به عنوان نیروی مسلح حاکم در جنوب این کشور، قایل شدن حق هجوم به لبنان برای ارتش اسرائیل به منظور ایجاد به اصطلاح "نظم و امنیت" دلخواه صهیونیستها، کنترل کامل حرم هوایی و آبهای لبنان توسط اسرائیل و بالاخره ایقاع نقش ژاندارم توسط اسرائیل برای جلوگیری از عملیات مبارزان فلسطینی. مسردم لبنان و نیروهای ترقیخواه و ملی این کشور، که مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست پیگیر می کنند، بارها اعلام کرده اند به چنین شرایط ننگینی تن نخواهند داد و هماغونه که قرارداد "صلح" جداگانه لبنان - اسرائیل از نوع کمپ دیوید را پاره کردند، زیر بار ننگی مشابه آن نیز نخواهند رفت.

کارزار ضد بلغاری
در ارتباط با سوء قصد به یاب

در رم صحنه دیگری از "جنگ صلیبی علیه کمونیسم" به نمایش در آمده است. دادگاه شهر رم، پرمبنای اظهارات سرپا دروغ "علی آگجا" فاشیست ترک و عامل سوء قصد به پساپ، سرگئی آنتونوف و چند شهروند دیگر بلغاری را به محاکمه کشیده است تا برای توطئه قتل پاپ، به دروغ دامیانی در صوفیه و مسکو دست و پا کند. "مدارک" علیه متهمین بلغاری توسط سازمان سیادر اختیار دادگاه رم گذاشته شده است. در زندان "آسکونی" محل اقامت علی آگجا، سرویس امنیتی ایتالیا با کمک مامورین اطلاعاتی آمریکا تعلیقات لازم را برای "شهادت دادن" در دادگاه به این عضو "گرگهای خاکستری" سازمان فاشیستی ترک داده اند.



گوشه‌ای از اقدامات انجمن اسلامی در کارخانه ایدم

در کارخانه ایدم (در تبریز) چندی قبل يك کارمند زن استخدام شده بود. اما تنها چند روز از شروع کارش سپری نشده بود که انجمن اسلامی حکم اخراج او را صادر کرد. گوید يکي از ساعات کار، چند تارمو از زیر سرى ضخيم اوييرون زده بود.

در همین کارخانه يکي از اعضای انجمن اسلامی، سه تن از کارمندان را در يك اتاق در حال گفتگو مشاهده می کند. يکي از این کارمندان زن بود. به همین خاطر با انتساب اتهامات "اخلاقی" دو کارمند مرد را برای يك هفته از کار اخراج و کارمند زن را منتظر خدمت کردند.

در همان حالی که انجمن اسلامی پس از اینگونه اقدامات از کارکنان "زهرچشم" می گیرد، همه اموری را و احد تولیدی در کنترل کامل کمپانی بنزآلمان فدرال قرار گرفته است. حتی يك معامله خارجی هم بدون موافقت این کمپانی نمی تواند صورت بگیرد. نه فقط معاملات بلکه مشا و رات مسئولین این کارخانه هم باید با موافقت قبلی کمپانی نیز انجام شود.

چند تن از اعضا انجمن اسلامی کارخانه ایدم که از يك مسافرت به مناطق جنگی بازگشته بودند، در میان کارگران به تبلیغ موقعیت مساعد "لشکر اسلام" پرداخته بودند. و اکنش کارگران این بود که آنها را با خا طراین دعای مضحک به مسخره گرفتند.

سطح بهداشت در کارخانه‌ها

در واحد تولیدی آی. آی. دی. آی. آی. یکی از کارگران که در حین کار مصدوم شده بود به بیمارستان منتقل و بستری گردید. در معاینه ای که از این کارگر در بیمارستان به عمل آمد معلوم گردید او به بیماری سل مبتلا است. با اینکه بیماری تا حد خطرناکی پیشرفت کرده بود و این کارگر از عوارض آن رنج می برد اما بخاطر فقدان امکانات پزشکی از وجود آن بی خبر مانده بود.

در پی این امر با اقداماتی که صورت گرفت از دیگر کارگران این واحد تولیدی نیز معاینه پزشکی به عمل آمد. نتیجه معاینات این بود که ۱۵ کارگر دیگر این کارخانه نیز به درجات مختلف به بیماری سل مبتلا هستند.

اعتصاب کارگران راه آهن در موند

در راه آهن موند حدود ۱۵۰ کارگر روزمزد کار می کنند. دستمزد روزانه آنها ۲۲۷ ریال است. علاوه بر این روزانه ۳۷۳ ریال نیز به عنوان حق اولاد دریافت می کردند. اما چندی پیش مسئولین اداره راه آهن موند اعلام داشتند از این پس حق اولاد به کارگران پرداخت نخواهد شد. کارگران روزمزد در اعتراض به این تصمیم همگی دست از کار کشیدند. اعتصاب یکپارچه آنان سه روز بطول انجامید و بالاخره با پیروزی خاتمه یافت. مسئولین راه آهن بناچار پذیرفتند دستمزد کارگران در همان سطح سابق روزانه ۱۰۰۰ ریال - پرداخت شود.

شرط مدیریت برای استخدام کارگران

چندی پیش در واحد تولیدی ترانس پیک ۳۷ تن از کارگران مبارز را اخراج کرده بودند و بجای آنها پس از چندی عده ای دیگر را استخدام نمودند. در استخدام کارگران تازه، مدیریت با جدیت توجه داشت که کسی از آنها با سواد نباشد. از اینرو همه کارگران جدید از میان داوطلبان بیسواد برگزیده شدند.

کلاسهای تربیت جاسوس

رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات رو به گسترش کارگران عاجز ماند، خود را ناچار می بیند گسترده تراز همیشه ارکان های سرکوب و ابادی و مزد و رانش را علیه جنبش کارگری به کار ببرد. آموزش سازماندهی دستجاتی که تحت عناوین گوناگون در کارخانجات علم کرده اند، از جمله اقداماتی است که با اتکاء به آن سعی دارند جنبش کارگری را از بالندگی باز دارند.

سپاه پاسداران برای آموزش جاسوسی به فعالین انجمن های اسلامی و اعضای بسیج تارتری "کلاس های ویژه ای دایر کرده است. متخصصین سپاه به این افراد آموزش می دهند که نحوه شناسایی کارگران مبارز و تشکیل های مخفی کارگران چگونه باید باشد، برای مقابله با حرکات کارگری چه باید کرد، وظیفه آنها در جریان اعتصاب کارگران چیست و ... این کلاسها منظم در یکی از کارخانجات برگزار می شود. برای هر منطقه کلاس جداگانه ای ترتیب داده شده و از سوی سپاه برای برپائی آن ها هزینه و نیروی قابل،

توجهی اختصاص داده شده است.

در هر کلاس علاوه بر متخصصین سپاه، نمایندگان از حزب جمهوری اسلامی و خانه کارگر نیز شرکت می کنند.

جوانان روستایی به جنگ نمی روند

سپاه پاسداران پارس آباد مخان مدتها قبل عده ای از جوانان روستاهای اطراف را در واحدهایی به نام هسته های مقاومت روستائی سازمان داده بود تا برای شرکت در جنگ آنها را به کار بگیرد. چندی قبل سپاه از اعضای این هسته ها خواست تا برای رفتن به جبهه ثبت نام نمایند. اما از میان ۳۰۰ نفر عضو رسمی این هسته ها که سپاه به آنها مراجعه کرده بود، حتی يك نفر هم حاضر به اعزام به جبهه نشد. به دنبال آن این افشاد را

برای حضور در جلسه ای به شهر فراخواندند. حدود صد تن از این افراد در این جلسه شرکت نمودند. مسئولین سپاه این بار علاوه بر وعظ و نصیحت، کوشیدند با تهدید آنها را به جبهه بکشانند. ولی این تشبیه آنها هم به نتیجه نرسید و هیچ يك از جوانان روستائی برای رفتن به جبهه های جنگ "داوطلب" نشدند.

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رقبای فدایی در اتريش

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO33

MONDAY NOV. 19, 84

آدرس
Postfach 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 68156
LOS ANGELES, CA 90086
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!